

متن پرسش

دروود بر جناب طاهرزاده: مدتها به دنبال دین حق بودم چندی پیش بنده به ادیان شرق بخصوص هند جلب شدم مدتی بودایی بودم. من معتقدم مقتضای عدالت تناسخ است اما تناسخ بدون قبول خداوند دشوار است بنابراین این نقص الهیاتی دین بودا مرا از ادامه پیروی از آن دین بازداشت. در بقیه ادیان هندی هم فرضا خدا مطرح باشد در توحید گویا مشکل دارند. دین اسلام هم اگر مشکل توحید نداشته باشد معاد را مطرح می کند (بخصوص معاد جسمانی که عقلا قابل اثبات نیست بلکه خلاف عقل است و معاد ملاصدرا هم فقط اسما مشابه است والا داستان ابراهیم صریح در معاد جسمانی عنصری است) و معاد خلاف عدل است چون باید به افراد فرصتهای متعدد داد و به یک دفعه زندگی برای ابدیت مواخذه نکرد حاشا به کرم حق. ازین بگذریم. مطالبی از عرفا چندی پیش می خواندم انصافا به قول آن ظریف اگر بافتند چه خوب بافتند بنظرم رسید مطالبشان ماخود از حکمای هند است یا از افلوطین گرفتند. آه اشتباه انتساب اثولوجیا به ارسطو چها که نکرد. انصافا ما باشیم و قرآن وحدت وجود و قوس صعود و نفس رحمانی و لابشرط مقسمی و تعیین اول و ثانی و ... را کجا می توان یافت؟ بله اگر روش روش ملاصدرا باشد از «وتری الجبال تحسبها جامدة وهي تمر مر السحاب» می توان حرکت جوهری را کشید بیرون، کما اینکه بقیه فرق اسلامی مقاصد خویش را از آیات بیرون می کشند و این فرق می کند با مکاتب هند که واقعا و به صراحت وحدت وجود جزو آموزه ها است کما اینکه عالم را مایا می دانند که خیالی بیش نیست و سخن از اتحاد برهمن و آتمن است که شرح آن در اوپانیشدها توان یافت باری این ضعف الهیاتی در مکاتب هند و ضعف توحیدی و معادی در اسلام مرا به مکتب ثالثی رهنمون کرد که هم نکات مثبت ادیان شرق و اسلام را دارد و هم از نواقص آنها بریست و آن دین حقه سیک است درود خدا بر گورو نانک و تسعه خلیفته که راه حق را به ما نشان داد.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: دین حق، دینی است که همه‌ی ابعاد انسان را در نسبت با حق و خلق و خود به فعلیت برساند. موفق باشید